

برداشت های از نظریات جسونت سینگ وزیر دفاع سابق هند

در شرایطی که آسیای جنوبی با انواع متعدد تناقضات و سوء ظن های متقابل مواجه است، از یک جانب افغانستان و پاکستان در رویارویی بسر میبرد و از جانب دیگر هند و پاکستان بر همدیگر اعتماد ندارند. در حاشیه این جریان چین، ایران و روسیه به افغانستان نگاه میکنند تا به استفاده از وضع امکانات را بیابند کنند که به نفع شان بوده ایالات متحده را در منجینق نگاه دارد. در همین حال آمریکایی ها آماده میشوند از یک دهه جنگ در تپه ها و دره های افغانستان عقب نشینی کنند

نویسنده معتقد است که با توجه به این رقابت ها راه نیل به صلح و ثبات در منطقه از طریق اجراء موافقت نامه های متعدد نه بلکه از طریق یک "توافق بزرگ" ممکن بوده میتواند که منافع امنیت ملی همه قدرتها را آشتی دهد

اما آیا دستیابی به چنین توافق امکان دارد؟

در ظاهر چنین امر ممکن به نظر نمیخورد. روابط پاکستان و ایالات متحده با اظهارات بی پرده از جانب هر دو دولت به مناسبات سمی مبدل شده. گردهمایی اخیر "همسایه های" نگران افغانستان در استانبول، فقط بیانیه آرام کننده بیش نبود تا راه را برای تدویر جلسه شهر بن در اواخر سال جاری هموار کند

در چنین حالت شوریدگی دیپلماتیک در واقعیت دو گزینه موجود است

یا آنکه اجازه داده شود اختلافات به حالت خود ادامه یافته خود بخود به جوش آیند، و یا هم آنکه حرارت تنش و تناقضات منطقه ای قبل از آنکه منفجر شوند کاهش یابد. به هر صورت واضح است که دیپلماسی منجمد موجود در منطقه باید خاتمه یابد چون اولیت خیلی بزرگ جهانی مورد سوال قرار دارد

گشایش این گره و تبدیل وضع موجود به یک نظم همکاری باید در دستور کار تمام کشورهای درگیر قرار گیرد

در حالیکه هند، پاکستان، افغانستان و ایالات متحده یک مستطیل روابط را در آسیای جنوبی تشکیل دهند، ایجاب میکند چین، هند و ایالات متحده آمریکا یک مثلث را ایجاد نمایند که در بر علاوه منطقه جنوب آسیا، ایجاد تفاهم در مسائل جهانی را نیز در برنامه خویش قرار دهد. از جانب دیگر مرکزیت ژنوپلتیک در حال ظهور اقیانوس هند و سهم روزافزون آن در تجارت جهانی عامل سوم این پیچیدگی است

آیا میتوان روابط افغانستان، پاکستان، هند و ایالات متحده را به چیزی شبیه یک کوپراتیف تعاونی مبدل نمود؟

درین جای شک نیست که روابط حاضر میان ایالات متحده و پاکستان در پایین ترین سطح قرار دارند. شهادت تلخ دریا سالار مایک مولن رئیس سابق ستاد مشترک در کنگره امریکا در مورد پیمان شکنی پاکستان و حمایت آن از تروریسم بدگمانی هر دو طرف را تا حدی بالا برد که حتی دیدار عالیرتبه هیلاری کلینتون به اسلام آباد نه تنها کاری برای بهبود آن انجام نداد، از آن هم فرا تر کلینتون بار دیگر بر هشدار قبلی خود به پاکستان در مورد ننگ داشتن "مارها در حیاط خلوت" باز هم تاءکید نمود.

چون پاکستان آذین اظهارات زنگ خطر را احساس کرد، جای تعجب نبود که به این گونه اظهارات واکنش غضب آلود نشان داد

ژنرال اشفق پرویز کیانی لوی درستیز ارتش پاکستان، ایالات متحده را از دخالت در سنگرهای تروریستی وزیرستان شمالی هشدار داد و گفت: قبل از آنکه چنین شود، "ایالات متحده باید 10 بار فکر کند". ژنرال حمید گل پا را از آن هم فرا تر گذاشت و به ایالات متحده از "خطرات ناشی از جنگ جهانی سوم است" هشدار داد

در میان این آشفتگی ها بود که برهان الدین ربانی رئیس هیئت مذاکره صلح با طالبان ترور شد و بلافاصله پس از آن رئیس جمهور حامد کرزی بصورت خشمگین توافق "مشارکت استراتژیک" با هند را امضا کرد. هر چند که او بعداً برای ماست مالی پاکستان را "برادر دوقلوی ما" خطاب کرد

جنگ های طولانی به یکی از سه روش پایان می یابد

- تسلیم بی قید و شرط و صلح تحمیلی -
- حل و فصل مشروط مثل کره یا ویتنام -
- راه حل دیپلماتیک که منافع همه طرفها را آشتی میدهد -

و اگر جنوب آسیا چشم به راه اعمار آینده مرفه و صلح آمیز است، تنها گزینه آخری راه دومدار رو به جلو خواهد بود. چون آمریکا از افغانستان خارج میشود و آنها بدون پیروزی، ضرور است با پاکستان توافق داشته باشد که هر دو کشور هند و افغانستان به آن زیسته بتوانند. ورنه گفتگو های لفظی بی پرده و سرد بین ایالات متحده و پاکستان و انتخاب راه های متفاوت میان این دو فقط به تشنج می افزاید.

جا شک نیست که هر دو کشور هند و ایالات متحده مستقیماً -- هر چند به گونه های مختلف -- در بازگشت صلح به منطقه جنوب آسیا ذیفع هستند.

همانطور که رابرت کاپلان استدلال می کند: برقراری ثبات در افغانستان فرا تر از صرفاً جنگ ضد تروریستی علیه القاعده و طالبان است، این امر مربوط به تامین امنیت و رفاه آینده تمام [منطقه] و تسهیل همزیستی مسالمت آمیز میان هند و پاکستان از طریق شرکت در مسیرهای انرژی است

حال آنکه حل و فصل جامع منطقه‌ای نیازمند توجه به ابعاد وسیع تری از منافع است، به روابط چین و هند به طور خاص نباید اجازه داد تا در سمت مخاصمت (آنتاگونیسم) استراتژیک مسیر یابد. ولی تلاش های چین برای تضمین برتری دریایی در اقیانوس هند این روابط را درین مسیر سوق داده است.

چین ممکن است دلیل بیاورد که تقویه نیروی دریایی آن در اقیانوس هند فقط برای حفاظت از خطوط مواصلاتی است که برای حمل و نقل منابع حیاتی برای اقتصاد خود نیاز دارد. اما دیگران مانند هند این دلیل را چیزی بیشتر از بهانه گمراه کننده ندانسته آنرا تلاش برای محاصره می بینند زیرا قدرت نظامی برای استفاده ایجاد میشود نه برای نمایش موجودیت آن

در شرایط که تجارت دو جانبه هند و چین رشد روزافزون دارد، هر دو کشور باید یک نقشه ژئوپولیتیک مورد قبول برای دو طرف را در آسیای جنوبی و اقیانوس هند ترسیم کنند. البته این بدان معناء نیست که نشان دهد رقابت بین هند و چین می تواند و یا باید متوقف شود. اما اگر هر دو حکومت از فرصت استفاده کنند لایه های مشترک منافع تجاری و سیاسی شان امید را برای توافق بوجود میآورد. کمک های چین در تشویق پاکستان برای رسیدن به توافق با هند و ایالات متحده در آینده افغانستان نه تنها یک فرصت خوب چین از طریق پاکستان یا Xinxiang برای شروع این همکاری است، بلکه به نفع امنیت چین از طریق دفع نفوذ تروریستان به ایالت افغانستان میباشد.

کلینتون اخیراً چشم انداز "رابطه سازنده قوی بین هند، آمریکا و چین" را ارائه کرد. و در واقع پذیرفت که ایجاد همچو رابطه دشوار خواهد بود زیرا "مسائل مهم هستند که همه در مورد آن اختلاف نظر دارند" با این حال او همچنین به نکات قابل توجهی از "منافع مشترک" اشاره کرد، استدلالی که اگر ما می خواهیم به حل برخی از مهم ترین مسائل قرن بیست و یکم دست یابیم، باید هند، چین و ایالات متحده آمریکا تلاش شان را هماهنگ کنند

چشم انداز یک توافق بزرگ برای آسیای جنوبی در مقابل ما قرار دارد. این یک ایده است که زمان آن عملی شدن آن فرا رسیده است. زیرا دیگر راهی نیست که جایگزین آن شود